

## (انتقاد ادبی)

پیرامون کتاب فرهنگ خاورشناسان تألیف آقای  
ابوالقاسم سبحان در ۳۷۳ صفحه چاپ تهران

از دیرترین زمانها تا کنون غرب متوجه شرق و روابط سیاسی و ادبی و علمی برقرار شده است و در این اواخر دهه ازدانشمندان غربی بنام خاورشناس معرفی شده و کتابها و رساله ها و مقالات بسیار نفیسی در پیرامون شرق نشر میدهند که بیشتر آنها از منابع و مصادر مهم تاریخی و علمی محسوب شده و عظمت شرق را در نزد جهانیان کاملاً مجسم میسازد. ابن راد مردان بزرگ درباره تحقیقات آثار شرقی چه رنج ها کشیده و چه خسارت های مادی را متحمل شده و میشوند و بایک عشق و علاقه مخصوصی بیشتر عمر گرانهای خود را صرف آثار شرق می نمایند و در اثر این کوشش ها نام خود را در صفحات تاریخ جاودان گذاشته و در قلب ارباب معرفت جایگاه مخصوصی برای نام خود مهیا میسازند. فضلا و دانشمندان مقالات فراوانی در مطبوعات فارسی راجع به شرح حال و آثار بعضی از مستشرقین نوشته اند و دانشمندان فلکی شهیر آقای سید جلال الدین طهرانی صاحب گاهنامه و تالیفات عدیده دیگر رساله در شرح حال مستشرقین نوشته و به ضمیمه یکی از مجلات گاهنامه نشر شده ولی روی هم رفته کتاب مفصلی در این خصوص تا کنون بزبان فارسی نداشته ایم و این قص تاریخی و ادبی را چندی است که آقای سبحان متحمل جبران شده و نتیجه مطالعات و تتبعات خود را بشکل کتابی در آورده و بنام ( فرهنگ خاورشناسان ) به معرض استفاده

جامعه ایرانی قرار داده و چشم علاقه مندان به علوم و دانش را روشن ساخته و ارزش آثار تاریخی و ادبی ایران و اسلام را در طی این کتاب یادآوری نموده اند.

مؤلف فرهنگ خاور شناسان یکی از نویسندگان خوش قریحه می باشد که مقالات ادبی و تاریخی او سابقاً در (طوفان فنگی) و (روزنامه ستاره جهان) بارها نشر شده و کتاب (تاریخ قرون) و رساله (اسرار حج) را از عربی به فارسی ترجمه نموده و بتازگی انتشار داده اند و دیگر از آثار نفیس این نویسنده دانشور ترجمه کتاب (تاریخ نقاشی در ایران و تألیف (تاریخ مدرسه سپهسالار جدید) است و اکنون مشغول مطالعه و تتبع در شرح حال امام رضا ع امام هشتم شیعیان میباشد که امید داریم بزودی دیده علاقه مندان به آثار اسلامی را در اثر نشر این گونه تألیفات زیبا روشن سازند.

در اثر يك نگاه اجمالی به کتاب فرهنگ خاور شناسان چند نکته به نظر نویسنده این سطور رسیده که برای آگاهی نوشته میشود و آرزو مندیم در چاپ های بعد این نواقص جبران شده و این فرهنگ بیشتر مورد توجه و دقت ارباب دانش و ادب قرار بگیرد *مطالعات فرهنگی*

در فرهنگ خاور شناسان با آنکه مؤلف به ترتیب شماره نام هر يك از خاور شناسان را مورد بحث قرار داده در صفحه (۹۷) در تحت شماره (۱۲۲) و صفحه (۱۲۶) در تحت شماره (۱۷۶) و در صفحه (۳۱۹) در تحت شماره (۵۲۹) شرح حال و آثار فاندیک آمریکائی را نوشته اند و معلوم میشود سه شخص را بنام فاندیک در نظر گرفته و در صفحه (۱۲۶) در تحت شماره (۱۷۶) بنام (ادوارد فاندیک فرزند دکتر کورتیلیوس فاندیک) قسمتی از

زندگانی و آثار قلمی او را نقل می‌کند و تذکره می‌دهد (که صاحب معجم المطبوعات العربیة صفحه (۱۴۶۴) تفصیل آن را نگاشته است) در صورتیکه در مقدمه فرهنگ خود یکی از مهمترین منابع تالیف (فرهنگ خاور شناسان) را آثار جراحی زیدان بویژه تاریخ ادبیات عربی او میداند و آنچه را که صاحب فرهنگ در زیر سه عنوان سه شماره بالا قرار داده اند به استثناء چیز مختصری تماماً بنام فاندیک آمریکائی در صفحه (۲۱۸) تاریخ ادب اللغة العربیه جلد چهارم مندرج است و با مراجعه به کتابهای تراجم هنوز فرزندی برای فاندیک که صاحب تألیفات هم باشد سراغ نداریم که مؤلف فرهنگ در تحت شماره (۱۷۶) بنام فرزند فاندیک یک شخص خاور شناس دیگری تصور نموده و آثار قلمی فاندیک آمریکائی مشهور را بنام فرزندش ثبت کند و در صورتیکه سندی برای این قسمت در دست دارند خوب است نشان داده تا آنچه را که مؤلفین دانشمند عربی در باره فاندیک نوشته اند اصلاح شود.

چنانکه گفته شد صاحب فرهنگ قسمت زندگانی فاندیک را استناد به کتاب المعجم المطبوعات میدهد اگرچه کتاب معجم المطبوعات را نتازگی مراجعه نکرده ام اما گمان نمی‌کنم در آن کتاب اشتباهی شده باشد چه الیاس سرکس مؤلف «معجم المطبوعات العربیه و العربیه» اگرچه در ردیف کتابفروشان است چون فاندیک را از نزدیک می‌شناسد گمان نمیکنم این اشتباه از معجم المطبوعات ناشی شده باشد و این قسمت هارام نمی‌توان از اغلاط مطبعه دانست چه در تحت سه شماره و سه صفحه مختلف بعنوان سه نفر نام استاد فاندیک را نوشته و برای هر کدام قسمتی از آثار قلمی فاندیک را اسم برده و تکراری هم در تألیفات او نموده‌اند. و ممکن است تصور نمود که در معجم نامبرده در تحت سه عنوان قسمتی از شرح حال فاندیک نوشته شده باشد آنکاه مؤلف فرهنگ ما گمان

نموده‌اند که آنها سه نفر جدا گانه هستند در این صورت فرزند فاندیک را چگونه می‌توان محملی برای آن قائل شد و آثار یک نفر را تقسیم به دو نفر و یک پسر موهومی نمود. نمیدانم از کجا برای مؤلف دانشور فرهنگ خاورشناسان این اشتباه ناشی شده است!

به عقیده من گذشته از رساله ( شرح حال فاندیک ) که در بیروت چاپ شده پس از تاریخ ادب اللغة العربیه جرجی زیدان کتاب اعلام المقطف قلم علامه مأیوف علیہ دکتر یعقوب صروف که از انتشارات مجله کهن سال مجله المقطف مصر است در این قسمت بهترین مأخذ میباشد که باروش علمی تحلیلی زندگانی استاد فاندیک آمریکائی را تشریح نموده و آنچه را که فرهنگ خاور شناسان درباره این مرد بزرگ نوشته تقریباً داراست

در کتاب فرهنگ مورد بحث شرح مختصری در زیر شماره (۳۲۲) بنام انستاس کرملی نوشته شده نویسنده این بطور «الاب انستاس کرملی» را بارها در تعداد دیده و در موضوعات ادبی و تاریخی و دینی با او گفتگوهای بسیار نموده‌ام و از نزدیک این مرد بزرگ معنوی را می‌شناسم «۱» این شخص از بزرگترین مبشرین نزاری در عالم عربی بشمار میرود و سال‌ها مجله لغة العرب را در بغداد نشر داده و صاحب کتاب تاریخ مختصر عراق است که از بهترین کتاب‌های مفیده بشمار میرود و چونکه از نام و نسب او معلوم میشود از جناب کرمل میباشد و از نزاری عرب و شرقی است و همیشه عنوان و امضاء صاحب مجله لغة العرب (الاب انستاس کرملی) است در صورتیکه مؤلف تذکره خاور

(۱) راجع به تحقیقات انستاس کرملی در شماره اول سال ۱۸ ارمغان در تحت عنوان (تأثیر علمی و ادبی ایران در عرب) بقلم نگارنده اشارتی شده است

شناسان تحقیقاتی در نژاد استاس نموده اند و او را آمریکائی و یا اروپائیی می دانند .

ضرر نداشت صاحب مجله لفة العرب را در ردیف مستشرقین قرار دهند در صورتیکه استاس همیشه تازی بوده و خواهد بود و در عالم عربی هم يك استاس گرملی بیشتر نداریم تا بتوان گفت صاحب مجله لفة العرب در بغداد غیر از استاس صاحب آثار معنوی مشهور و اکتیو و مقیم قاهره و کارمند فرهنگستان مصر میباشد و خوش بختانه و یا متأسفانه عکس این پدر عبوسی را هم چاپ کرده اند که دیگر جای اشتباه باقی نخواهد گذاشت !! در صورتیکه صاحب فرهنگ خاور شناسان اصراری در این قسمت داشته باشند خوست نسب تازه را که برای استاد استاس گرملی پیدا کرده اند تذکر دهند که تا بعدها بجای استاس گرملی استاس آمریکائی و یا اروپائی امضاء نموده و به این عنوان شناسائی شوند !!

آباء یسوعی در بیروت که صاحب تالیفات مهمه هستند و دانشگاه ژوزویت هلم از تالیفات مهم آنان است و کتاب های العنجد و امجانی لادب و شعراء النصرانیه و جریده مشهور (المشرق) و کتاب تاریخ بیروت و « تاریخ سوریا » و صد ها کتاب ها و مجله های مهم دیگر از آثار قلمی آنان است و امروزه در سوریا بنام عرب شناخته شده و از حقوق مدنی آن کشور استفاده مینمایند چگونه ممکن است نژاداً آنها را غربی دانست .

مولف فرهنگ خاور شناسان نامی از خدمات مهمه ادبی و علمی و تاریخی آنان هم نبرده و شاید از این جهت باشد که عربیت آنان امروزه بر غربی بودن آنها غلبه دارد در این صورت استاد الاب استاس گرملی را بطریق نخستین

نمی‌توان در ردیف خاور شناسان دانست و عکس‌ها و او را در تذکره خود بامختصر شرح حالی چاپ نمود.

خیلی خوب بود که آقای سیاح با آن شوق فراوانی که در جستجوی کتاب از ایشان سراغ دارم کتاب تاریخ خاور شناسان اروپا را که مورخ و دانشمند دوگاتالیف و تدوین نموده و در ۲ جلد از سال ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۰ میلادی در پاریس به چاپ رسیده پیدا نموده و از آن کتاب نقیص استفاده‌های تاریخی فراوانی نموده و ارزش فرهنگ خود را بیشتر سازند خوش بختانه نامی از این کتاب و موافق متبصر آن در کتاب خود برده‌اند.

با آن همه اشتغالات اداری و گرفتاری‌های زندگانی که مؤلف دانشور فرهنگ خاور شناسان دارند باز هم جای شکر باقی است که توانسته‌اند چنین تالیفی را تهیه نموده و برای استفاده در دسترس جامعه قرار دهند امید داریم در چاپ‌های آینده نواقص این کتاب را رفع نموده و از هر جهت شایسته استفاده ارباب معرفت قرار دهند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع معرفت‌نظمی مدرسی چهاردهی

# دستور رستگاری

بقلم محمد مسعود

ترجمه قدرت الله مشیری

(۱)

انسان همیشه از رنج و الم و ناکامی می نالد و غالباً عمر خود را بزحمت می گذراند از آنروست که بعضی معنقد هستند که دنیا مجموعه ایست از آلام و رنج و زاندگی عبارت است از یک رشته ناملایمات که با هیچ نیروئی نمی توان با آنها مبارزه کرد غافل از اینکه در نهاد طبیعت رای هر دردی درمانی بودیت گذارده شده است که بایستی این داروها را با نیروی فکر و تجربه و عمل کشف نموده و بیدادای آنها پرداخت. همانطور که رای دردهای ظاهری داروهائی در نهاد طبیعت وجود دارد برای آلام روحی هم میتوان قواعدی کشف کرد که اگر بایکار بستن آن قواعد بکلی رنج و الم روحی برطرف نشود لافلی بتواند تخفیفی در آنها بدهد و انسان را بسوی رستگاری راهنمائی کند. در این خصوص مقالات و کتب زیادی نوشته شده است که بیشتر آنها راه زندگی را بروی انسان می گشاید و تنها کافی است که شیخ پبروی کرده و بکار بندد

خوشبختانه از چندی باین طرف در کشور شاهنشاهی ایران هم مقالات و کتب زیادی در اینخصوص نوشته شده است ولی باید دانست که هر چه بیشتر در این موضوع نوشته شود باز کم است و اگر از انتشار هر یک از این کتب و مقالات حتی یک نفر هم استفاده کند چیران زحمت نویسنده خواهد شد.

اینجانب هم برای اینکه در هم خود بهم میهنان گرامی خدمتی کرده باشم يك سلسله مقالات یکی از نویسندگان خوب عرب بنام (محمد مسعود) را ترجمه نموده و بعرض هم میهنان گرامی می رسانم و گمان میکنم باخواندن و بکار بستن این دستور های مفید زندگی در هر خواننده تأثیری بسزا کنند بطوریکه خوانندگان گرام پس از مطالعه و بررسی دقیق این رشته مقالات بخوبی حس کنند که نکلی عوض شده و تاثیر مهمی در بهبودی زندگیشان داده میشود و چنانکه قبلاً ذکر شد تنها اگر در زندگی یکنفر هم از خواندن آنها اندک بهبودی پیدا شود همین پاداش مرا کافی است

قدرت الله مشیری

### ( امید باینده )

اولین شرط رستگاری در میدان زندگی اعتماد بآتیه و یقین بفتح و ظفر است این صفت مردان صاحب عزم و همت را كملك مؤثری است که بر دشواریهای زندگی فائق آمده و برانها غلبه کنند بنا براین اشخاصیکه میل دارند در کشاکش زندگی شکست نخورند بایستی در منظور و مقصود خود ثابت قدم بوده و یقین داشته باشند که کامیاب خواهند شد والا از سعی و کوشش در راه مقصود باز مانده و عزم آنها سست خواهد شد .

اشخاصیکه در مواقع سختی و تنگی دست و پای خود را گم کرده و گمان میکنند بدبختی و شقاوت در تمام دورهای زندگی با آنها قرین است حتماً شکست خواهند خورد زیرا همیشه گرفتار این وهم و خیال هستند و هر وقت بخواهند سعی و کوشش نمایند چون اسیر اینگونه اوام هستند از جدیت باز می مانند .



اینگونه اشخاص همیشه باید حقائق زیر را در نظر داشته باشند که اگر انسان با رزو و هدف خود نرسید نبایستی از بخت و اقبال شکایت نماید زیرا مردم دودسته هستند دسنه از آنها با نیروی عزم و همتی که دارند یقین بموفقیت و کامیابی خود دارند بمقصود میرسند ولی دسنه دیگر که مردم سست عزم و مردم هستند همیشه از بخت و اقبال خود شکایت دارند

دسته اول اگر در امری از امور زندگانیهم کامیاب نشدند ابدأ تزلزلی در عزم راسخ آنها روی نداده و مایوس نمی شوند بلکه از این شکست عبرت گرفته و پیش خود فرض میکنند که اگر در مرحله شکست خورده ایم در خیلی جاها و مراحل زندگی هم با فتح و ظفر هم آغوش بوده ایم بایستی دوباره با کمال امیدواری کار را از سر گرفته با فتح و ظفر نائل شوند. حال اینگونه اشخاص عینا شبیه به ناخدایان ماهر کشتی هاست که در هنگام طوفان و انقلاب دریا با کمال زبردستی کشتی را بساحلی رسانیده و لنگر می اندازند و وقتی طوفان و انقلاب دریا آرام گرفت دوباره راه خود را در پیش گرفته و بمقصود میرسند

گاهی اتفاق می افتد که بعضی ها روی سختی و بد بختی را نمی بینند و همین مسئله باعث میشود که آنها مفرور شده و گمان میکنند زمانه با آنها موافقت دارد و خلاصه انها را برگزیده است ولی باید دانست که این مسئله فقط برسبیل تصادف بوده است و گرنه زمانه با کسی دوستی و دشمنی ندارد

زندگانی عبارت از زنجیری است که از حلقه های سیاه و سفید تشکیل شده و تمام این حلقه ها بایکدیگر ارتباط دارند. بدیهی است کسیکه میخواهد در زندگی رستگار شود بایستی در مواقع سختی و تنگی تحمل نموده و بداند که بعد از هر سختی فرح و راحتی است و بعد از دیگر پایان شب سیه سفید است فقط